



بازیافتن حرمت و اعتبار هنرهای نمایشی

در سالگشت ظهور فجر بیروزی انقلاب اسلامی و بزرگداشت ۲۲ بهمن روز غلبه نور بر ظلمت و لحظه حاکمیت «ایمان» و اسلام، «نخستین جشنواره سراسری تئاتر فجر» و «فستیوال بین المللی فیلم فجر» با گرامیداشت هنرآفرینان در تهران آغاز میگردد.

این خیزش مجدد «هنر نمایش» و عرضه فعال آن، در صحنه هائی است، که روزی نحت حاکمیت هنر گنگ و مبتذل، جائی برای مردم و توده های اصیل جامعه نداشت. هنر نمایش به خاطر رشد داشتن در مبانی اعتقادی و فرهنگی مردم کشور ما همچنان مورد توجه و اقبال توده ها بوده و حتی در دوره استیلای اختناق و ستم شاهی و با همه تلاش رژیم گذشته در جهت ازاله هنر و فرهنگ اصیل و مردمی و رویاروی قراردادن هنر و مذهب بیگانه داشتن هنر و مردم و بیگانه داشتن هنر و مذهب و بیگانه داشتن هنر و مردم، هنرپردازان، مذهبی و انقلابی در شرائط دشوار ضد امنیتی و پلیسی آنروز در مجامع و کانون های انقلابی و زیرزمینی و بعضی مساجد فعال، با ارائه نمایش های حماسی و انقلابی و آموزنده نقش موثری را در تکوین و تحول انقلاب ایفا می نمودند، و جامعه خود در می یافت که در مقابل هنر مخدر و رسوا، هنر محرک و پویا و متمهد مورد قبول و موجب تحسین و توجه است و امروز در آستانه تحولات و دگرگونی های انقلابی اسلامی و در پرتو حاکمیت ارزش های متعالی و فضیلت ها بر تباهی و انحطاط، «هنر» نیز به عنوان یکی از ارکان اعجاز الهی و «هنرهای نمایشی» به عنوان روش و شیوه عمل رسولان و هادیان جوامع بشری، حرمت و اعتبار راستین خود را بازیافته است.

در تفکر مذهبی ما «هنر» و بخصوص «نمایش» ابزار مستقیم رهبران دینی و پیشوایان اسلامی بوده و رفتار و عملکرد گونه های حسی و تصویری آنان مدل و اسوه برای مردمی که علاوه بر پیام و موعظه کیفیت و نحوه عمل را نیز می جستند، تلقی میگردد. و امروز مردمی که خود در صحنه هائی به گستردگی یک تاریخ، چشمگیرترین هنر معاصر را می آفرینند، و با هنر «توانستن» خود شهادت و ایثار در راه خدا را در شکل های گوناگونش به تجسم آورده و فراخترین کنش های روحی انسان را در عمل خلق می کنند، مشتاق و امیدوار، به هنرهای منبعث از روح کلی انقلاب توجه و اعتقاد یافته و به جستجوی آنچه می خواستند - نمی یافتند - در مراکز و محافل و تالارهای هنری حضور می یابند. این رسالت باشکوه، هنرمندان معتقد مردمی است که در پی افکندن بنیان فرهنگی نوین، با تکیه بر غنای علمی و ادبی این سرزمین کهن که هنر را نزد خود دارد و با سایه گرفتن و الهام از اندیشه و اعتقاد شریعت پویا و حیاتبخش اسلام، «آفرینشی پرحاصل» ارائه نمایند، و در هر چه زلال تر نمودن این رود خروشان

بکوشند، و از رکود و افسردگی اش باز دارند. در این نقطه از مشرق زمین تکامل هنر از مرز سنت ها و ایسم ها فراتر رفته و جهش هنری از عینیت و مادیت، به سوی حقیقت و معنویت آغاز گردیده است. و به لطف این تکامل «هنر نمایش» برخلاف دوره اومانسیم یونان و اومانسیم دوره رنسانس که در بستر، لذت و بیان زیبایی طبیعت و بدن انسان در حرکت بود، و علیه محصور ماندن در چهارچوب - وصف سطحی عینیتها و واقعیتها- و نیز برخلاف تجرد و ذهنیت- ایده آلیسم، همپای انسان و فلسفه متعالی او، در عصیان خود از بند وجود «بودن و عینیت» به مرحله ادامه و استمرار داشتن درآمده است.

آنجا که مانند گار کردن انسان در چهارچوب آنچه هست- رئالیسم، با عصیان و تشنگی انسان امروز سازگار نبوده، چنانچه ایده آلیسم- نیز نتوانست او را در حصار مبهم و همیات نگاه دارد، «هنر نمایش» نیز همپای فلسفه وجودی انسان، پرچمدار این شورش علیه طبیعت گرایی و عینیت گرایی شده و در جهت کشف و شکوفایی استعدادها و ماورائی و حتی ماوراء عقلی و منطقی انسان تلاش می کند. از این رو گفته «مورس مترلینگ» دور از حقیقت نیست که خداوند وقتی همه موجودات را ساخت و به انسان رسید، از خلقت دست کشید و آنرا به خود انسان وا گذاشت - توانائی هنرمند در خلق دریافت ذهنی خود، «هنری» است، که قالبها و شیوه های گوناگون هنر، چون «شعر و ادبیات و نمایش و تابلو»، همه بدن هائی هستند برای تجسم بخشیدن و جلوه گر ساختن درون و روحی که هنرمند در آن دمیده است. امروز هنر از شکل سرگرمی، تفنن و تفریح قشر مرفه درآمده و سرنوشت آن با حرکت انقلاب پیوستگی عمیق یافته است.

چه، مردمی که در گذشته با مبارزه سلبی خود در شکل تحریم و تکفیر هنرمند نماها زیر بار آن هنر تحمیلی و تزویقی منحنی رفتند، در این مرحله با مبارزه ایجابی به صورت تولید و عرضه فعالیت هنری حضوری خود را اثبات نموده اند.

امروز آرمانها و انگیزه های مردم در شعارها و فریادهایشان تبلور یافته است و آهنگ حرکت راهبر «رهبری» موزون می سازد و سمت گیری آنرا عقیده های متعالی و اندیشه های بارور، صاحب نظران متدین و مومن تبیین می نماید. انقلاب سلامت معنا یافته است و ابتکار آن در «استقلال و تمامیت» آن است و هنر در «سینه دیوارهای شهرها و روستاها» و در «سرودهای انقلاب» و در «صحنه های نمایشی» خود طلایه دار این نهضت شده است.

هنریک پالایش دوبار یافته و پایگاه اصیل و مردمی خود را باز می باید. مردم که در گذشته به علت تمسخر ایمان و اعتقادشان توسط هنر پروردگان بیگانه پرست، با تلخکامی و بدبینی هنر را با لفظ «رقاصی» خطاب می نمودند، اینک با علاقه و احساس به تماشا یا شنیدن کارهای هنری دل می دهند و این اقبال توده ها به هنر به خصوص هنرهای نمایشی بیش از این سابقه نداشته است. این بار مردم در سالن ها و مراکز هنری - که روزی تحت حاکمیت بی هنرها جائی برای خود نمی یافتند- تماشاگر هنری هستند که خود می خواستند و می جستند.

و همین حضور مردم بود که مانعی بزرگ بر سر راه فرصت طلبان و چپاولگران سیاسی در سوء استفاده از هنر در جهت مقاصد استعمارشان گردید.

در برابر آنان که «هنر نمائی شان» ره آوردی جز هرزگی و وقاحت و بیامال نمودن ارزش های اخلاقی و سنن جامعه نداشت و در برابر آنانکه می رفتند تا بار دیگر هنر را از مسیر مردمی و انقلابی اش منحرف ساخته و به ابزار مقاصد نوع دیگری از زورگوئی و سلطه اجنبی مبدل سازند.

آنانکه در آغوش فضیلت و انسانیت جامعه پس از انقلاب جائی برای خود نمی یافتند، بعضاً فرار از شراره خشم و انتقام مردم را ترجیح داده و برخی نیز به جرگه مدعیان مخالف انقلاب اسلامی پیوستند و با در اختیار

نهادن هنر خود به جنگ، دستاوردهای انقلاب برداختند و بر سکوی هنر و نمایش به متن احساس و عقیده مردم تاختند.

بیگانگی با مردم و اعتقاد و فرهنگ عمومی جامعه، و مینا قرار دادن فرهنگ و رسوم بیگانه در آثار و خلاقیت‌ها، و رواج عنصر فساد و ولنگاری و شکست حرمت‌های اخلاقی از یک سو، و از سوی دیگر ترویج پوچی و بیهودگی و بی‌هدفی و اشاعهٔ تز «هنر برای هنر» نوعی از سیاست‌های رژیم گذشته در بخش فعالیت‌های هنری را تشکیل میداد، که باعث جذب نیروهای هنری خود باخته جهت استفاده در تحکیم پایه‌های معنوی و اجتماعی رژیم طاغوتی در برنامه‌های جشنواره و جشنها و سایر هنرنمایی‌ها بود، و از جانبی دیگر سرکوب فعالیت‌های متعهد مردمی و عدم اجازه رشد به فعالیت‌های سالم هنری در هموار نمودن راه برای مقاصد استعمارگرانه‌شان. اکنون با گذشت سه سال از حاکمیت انقلاب «هنر انقلاب» به تدریج به مرحلهٔ عرصه می‌رسد و در بسیاری از زمینه‌های هنری خط انقلاب نیرومی‌گیرد.

پوسترها، طرحها، نقاشیها، تئاترها و کارهای دستی به یکباره محور تبلیغ و ترویج انقلاب میشود، کارهای هنری برای ارائهٔ پیام خون شهدا پی‌درپی، خیابان و خانه مردم را رونق می‌بخشد. نیروهای مسلمان که در گوشه و کنار با انبوهی از مشکلات و مشغولیت‌های اجتماعی فراغت چندانی نمی‌یافتند، ضرورت فعالیت هر چه بیشتر در زمینهٔ هنر را دریافته و برای بازپس گرفتن آنچه را که ضد انقلاب ورشکسته به ناحق تصاحب نموده بود، در صحنه ظاهر گردیدند و امت خود، خالق شکوهمندترین هنرها شد و هنر مردم در جبهه‌ها تجلی یافت - شهدا، هنر «توانستن» را می‌آفرینند، «هنر رجائی» را. و امروز آنانکه با صولت و صلابت یک کوه بر پهنشدت حادثه‌ها بر جای می‌ایستند، رخت خون رنگ شهادت بر تن، وجود شعله‌ورشان را به طوفان بلا می‌سپارند، تا سپر بلای دین و مردم باشد، خود، هنر «ماندن» را تجربه می‌کنند. به زیبایی‌ترین شیواترین سرودها در وصایای خود، تنها نیاز آخرین خود را می‌نگارند که:

هنر «رهائی»، «نخواستن و بریدن» را همهٔ بندها که با بندگی خدا تراحم دارد ورستن از همهٔ پیوندهائی که انسان را از راه باز می‌دارد.

مردم نیز مدالهای تحسین و افتخار را بر سینه مادری می‌نشانند، که هنر «نخواستن» همانرا که خدایش داده به خوبی ایفا می‌کند و «پرپر پاره‌های جانش» را به دست خود به دامان گور می‌افشاند و پدری که عصای پیری خود را به شکاف خاک می‌سپارد و قامت کشیده و بلند، بر سر گور فرزند مشت گره کرده‌اش سینه فضا را می‌شکافد و طنین «مرگ بر آمریکا - درود بر خمینی» اورساتر از همه به گوش میرسد.

تابلوی عصر انقلاب در مردمک دیده‌ها، گرمی آفتاب دشت را می‌نشانند و رازی بزرگ را می‌گوید: تصویر زندهٔ شهیدی که، در رزمگاه خویش به شهادت لبخند می‌زند و در اطرافش شوریده‌های صحنه نبرد با اعضائی تراشیده از فولاد، سد مهیب تجاوز را شکسته‌اند و دشمن را به آنسوی شط خون رانده‌اند.

سیمای مادری که جنازهٔ شهیدش را به پیشگاه انقلاب تقدیم میکند، که برای درک تمامی آن باید همت و لیاقت با او بودن را کسب نمود.

در صحنه‌های نمایش انقلاب نیز فضا خون رنگ است. غروب یک زندگی را که سرآغاز صبح نجات امتی است، و پیشانی سرخ افق را که از خون پاک باخته‌ای به شفق نشسته، و همسر شهید را که گوئی هنوز شعر بلند «توانستن» را در ستایش شوهر به پایان نبرده، تمرین کار بسیاری از هنرمندان عصر انقلاب است.

سوزهای ناب در همهٔ آثار هنری این دورهٔ تحول عظیم معنوی و فکری هنرمندان متعهد و مردمی را باز می‌گوید. حلول اندیشه‌های نوین و زمینه‌های اعتقادی جدید در شعبه‌های دیگر هنر نیز محسوس است.

هنر روستازادگانی که دست برکت زایشان، در هر گره از قالی، نقشی از رنجهای و شرحی از قصه دراز محرومیتشان را پیوند میزنند، و از سرانگشتان پینه دارشان هنر «تحميل» را به زیربای خلق می ریزند. تا چرخش دوربین های کوچک و بزرگ عکاس و فیلمساز که به روی حادثه ای معطوف میشود، و همه تحولات را با هنرمندی تمام به ثبت می رساند، شهر راستین انقلاب را نیز مردم برای شعرا سرودند کلامی که از دل برمی آمد بر دلهای پاک می نشیند.

شاهکار شعر ملت همیشه در فضای مجامع و محافل طنین می افکند و عشق ملت بزرگ مردم را در فریاد «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار» همه دریافته اند.

«الحمد لله الذی هدانا لهذا وما كنا لنهتدی لولا ان هدانا لله»

بنابر این آنچه که مسلم است توجه اساسی و اعتقاد خاص نظام جمهوری اسلامی به هنر و تأمین شرایط بهتر برای بالندگی و توسعه آن است و اساس تفکر جمهوری اسلامی در مورد هنر بر این مبنا است که این موهبت الهی یکی از مهمترین عوامل مساعد رشد شخصیت انسانی و تکامل اجتماعی، دوران ماست.

تمجید و تحسین مسئولان از فعالیتها و ارائه طریقه های کلی مقامات در این زمینه ها و نظرانی که خدمتگزاران مردم درباره هنر و کارهای هنری اظهار می دارند، خود مبین اقدام و همت این نظام و تلاش صادقانه آنان برای رشد و توسعه این موهبت خدائی است. از آنجا که سرنوشت هنر در جمهوری اسلامی به تبع حرکت خاص انقلاب فرم میگیرد و در عصر انقلاب هر حرکتی می بایست به نحو انقلابی صورت گیرد، متوقف نمودن کاروان زشتی و جسارت با نام هنر که جز ازاله حیا و عفت از چشم و دل و دست و تفکر ره آوردی نداشت، و با شتابگری تمام میرفت که احساس و اندیشه و ایمان جامعه را نسبت به هنر و هنرمند منززل سازد و این غنیمت الهی را که اعتبار ویژه مشرق زمین و منزلت خاص میهن اسلامی ما است، به انحطاط محض بکشاند، خود از اولین اقدامات مؤثر جمهوری اسلامی در مسیر خدمت به هنر و هنرمند است.

و از آنجا که هر انقلاب منطقی خاص خود را دارد، در این نظام مبارزه با ضد ارزشها و تغییرات بنیادین آن بر مبنای فضائل و لیاقتها، کشف استعدادها و خلاقیتها و بارور شدن روحیه ها و از میان برداشتن موانع هنرمند و آزاد ساختن هنر از آن همه تعلق، نحوه عمل دولت و نهادهای مربوطه خواهد بود.

باز آمدن هنرمندان اصیل و مردمی به دامن ملت و عرضه فعالیت صحیح و سازنده نیز از نیات مسئولان امر به شمار می آید.

امام امت پیوسته حصار تنگ نظری ها را شکسته و همواره در بیان روحبخش شان، روح فرج و رحمت میدهند. و مجال اینکه همه باید در دامن رحمت و التفات اسلامی، امکان رشد و اصلاح یافته و در پیشرفتهای مملکت سهیم باشند، در تأکیدات امام و سایر مقامات به کرات ملاحظه میشود. وزیر ارشاد اسلامی در بیان نقطه نظر از خود پیرامون هنر اظهار میدارند:

«هنریکی از ارکان رسالت پیامبر اسلام است و از جمله، برخورداری قرآن از زیبایی و هنر مطلوب است که آنرا جاودانه می نماید، و از نظر اسلام هنری که روح انسان را به تعالی بکشاند، یک امر مقدس است و نظام اسلامی نمی تواند نسبت به این پدیده بی تفاوت باشد.»

و در این مرحله آنان که تا کنون به سیل خروشان ملت پیوسته اند هر گاه مقدسات مردم را مقدس بشمارند و انگیزه های معنوی مردم را والا بدانند به حق و فضیلت بگردند، و به صفای جامعه رو کنند از توفیق اقبال و حمایت مردم و دولت محروم نخواهند ماند.